

رضایت از خداوند؛ نشانه‌ای از سلامت قلب یا واکنشی به شرایط؟

چرا سطح رضایت از خداوند در انسان‌ها متفاوت است؟

اغلب تصور می‌کنیم حال خوب یا بد ما به آنچه داریم یا هستیم بستگی دارد. اما واقعیت پیچیده‌تر از این است. ممکن است فردی در رفاه کامل باشد ولی همچنان احساس نارضایتی کند و فردی دیگر با امکانات معمولی زندگی‌اش را با آرامش بگذراند. حتی کسانی هستند که با وجود سختی‌های شدید، نه شکایتی می‌کنند و نه اطرافیان را با گلایه‌هایشان آزرده می‌سازند.

راز این تفاوت در کجاست؟ پاسخ، در قلب انسان‌ها نهفته است. حال خوب یا بد ما بیش از آنکه به دارایی‌ها یا اتفاقات زندگی‌مان مربوط باشد، به کیفیت قلب ما و میزان رضایتمان از خدا بازمی‌گردد.

در واقع می‌توانیم ادعا کنیم که حال افراد مختلف در زندگی بیشتر از آنکه به کیفیت آسایش و امکانات آنها مربوط باشد، به حال و احوال قلب آنها و میزان رضایت آنها از خداوند مربوط است. کیفیت قلب افراد تعیین می‌کند که چه موضوعی آنها را خوشحال کند و چه اتفاقی آرامش و شادی آنها را به هم بریزد.

اگر قلبی توانسته باشد که به سلامت و تعادل برسد، چون توانسته اولویت‌بندی و مهندسی درستی بین معشوق‌های ریز و درشتش داشته باشد، هر موضوعی او را سست و مستأصل نمی‌کند؛ زیرا این نقصان‌ها و کمبودها مربوط به بخش‌های پایینی از [ابعاد مختلف وجود](#) اوست و قلب او در پیوند صحیح و عمیقی با بزرگ‌ترین معشوقش یعنی خداوند قرار گرفته، در نتیجه اعتماد و رضایت از خداوند در این رابطه جریان یافته است.

فرد در این رابطه به چنان سنخیت و اتصالی با معشوقش رسیده که یقین دارد، هر رخداد و قسمتی در دنیا به صلاح‌دید پروردگار و مربی عالم است، که برای تربیت او در بالاترین شکل انسانی طراحی شده است. پس رضایت قلب نشان‌دهنده سلامت قلب ماست. نکته مهم آن است که موضوع رضایت از خداوند صرفاً به داشته‌ها و حوادث زندگی مربوط نمی‌شود. رضایت از خداوند نوعی توافق، پذیرش و خشنودی عمیق قلب از هر خواسته، سلیقه و دستور معشوق بی‌نهایت یعنی خداوند است. گستره این خواسته‌ها و تدبیرها پهناور

است و شامل رضایت در برابر دستورات دینی و اخلاقی، همچنین رضایت در انواع حوادث، مشکلات، سختی‌ها و بلاهاست. برای درک بهتر دو نوع مهم رضایت از خداوند و ارتباط آن با سلامت قلب و طهارت نفس انسان با ما همراه باشید.

رضایت و تسلیم در برابر احکام خداوند

رشد کودک در سنین پایین نیازمند برنامه‌ریزی دقیق تغذیه، خواب، بازی و آموزش است. والدین آگاه محدودیت‌هایی برای فرزندان خود ایجاد می‌کنند تا آینده بهتری برایشان بسازند. این محدودیت‌ها از سر عشق و مسئولیت است، نه سخت‌گیری بی‌منطق.

موضوع دستورات خداوند در قالب احکام دین، اخلاق و اعتقادات هم همینطور است. او خالق و سازنده ما و متخصص خلقت ماست، پس فقط او می‌تواند دقیق‌ترین اطلاعات را در مورد بایدها و نبایدهای ما را در اختیار داشته باشد. او که خالق و آگاه به ساختار وجودی ماست، دقیقاً می‌داند چه چیزهایی ما را رشد می‌دهد و چه چیزهایی مانع رشدمان می‌شود. احکام دینی، ابزار پرورش جنبه الهی و انسانی ما هستند. محدودیت‌هایی که خدا وضع می‌کند، نه تنها آسیب‌زننده نیستند، بلکه مثل مربی‌ای دلسوز ما را برای رسیدن به اوج انسانیت تربیت می‌کنند.

همان‌طور که شاگرد یک استاد سخت‌گیر اما دانا، به حرف او اعتماد می‌کند؛ چون می‌داند که به نفع اوست، مؤمن هم با قلب سلیم در برابر خواسته‌های خداوند تسلیم است. اما این تسلیم و رضایت از کجا می‌آید؟ فقط قلبی که به سلامت رسیده، می‌تواند در برابر خواسته‌های خداوند مطیع و راضی باشد. چنین قلبی خدا را عمیقاً شناخته و به حقیقت وجود خودش عشق می‌ورزد. این قلب خدا را در صدر معشوق‌های خود قرار داده و خواسته‌های الهی را بر خواسته‌های شخصی مقدم می‌داند.

اما در مقابل، بسیاری از مردم هنوز خود حقیقی‌شان را نشناخته‌اند. آن‌ها وجود خود را صرفاً در سطح نیازهای مادی، جسمی یا عقلانی تعریف می‌کنند. وقتی این بخش‌ها دچار چالش می‌شوند، احساس محدودیت می‌کنند و از خدا گلایه دارند.

در حالی که احکام الهی، تنها بخش‌های سطح پایین وجود ما را محدود می‌کنند تا بخش‌های الهی‌مان اوج بگیرد. مثلاً پرخوری، پرخواهی یا پرگویی را محدود می‌کند، تا روح ما سبک‌تر و شفاف‌تر شود. پس رضایت از خداوند در اطاعت از احکام، ثمرهٔ دو چیز است: ۱. شناخت عمیق از خداوند و باور به ربوبیت و حکمت او

۲. اولویت‌بندی درست در عشق‌ها و وابستگی‌ها

و اگر قلبی به این مرحله برسد، خدا نیز به‌عنوان سرپرست او وارد عمل می‌شود و او را در مسیر نورانی رشد هدایت می‌کند.

رضایت در برابر حوادث و چالش‌های زندگی

پیش از این از صبر گفتیم، اما رضایت از خداوند، مرتبه‌ای بالاتر از صبر است. سؤال اینجاست که این حس رضایت عمیق چگونه در قلب یک انسان شکل می‌گیرد؟

پاسخ این است که قلب سلیم، در پیوندی استوار با معشوق خود قرار دارد و باور دارد که هر اتفاقی، حتی تلخ‌ترین‌ها، بخشی از طرح عاشقانه خداوند برای تربیت اوست.

چنین انسانی، ابعاد مختلف وجودش را به‌خوبی می‌شناسد. می‌داند که شکست مالی، آسیب به بخش جمادی اوست. بیماری، به بُعد گیاهی مربوط می‌شود. از دست دادن روابط یا موقعیت‌های اجتماعی، آسیب به بُعد حیوانی اوست. اما هیچ‌کدام از این‌ها به بُعد الهی و همان حقیقت وجود او آسیبی نمی‌زنند.

او این آسیب‌ها را تحلیل و اولویت‌بندی کرده و آرام می‌ماند؛ چون می‌داند برنامه خدا به عنوان مربی انسان، حفظ تعادل و سلامت قلب ماست.

دلبستگی شدید ما به دارایی، زیبایی، روابط، موقعیت اجتماعی یا علم گاهی ما را سنگین و ناتوان می‌کند. در چنین شرایطی، خداوند برای بازگرداندن ما به مسیر اصلی و فطرتمان این وابستگی‌ها را از ما جدا می‌کند. همان‌طور که مادری دلسوز، پستانک را از کودک خود می‌گیرد تا او به مرحله بعدی رشد برسد.

ما اغلب از این جدایی‌ها رنج می‌کشیم، چون هنوز به عمق رابطه‌مان با خدا نرسیده‌ایم. اما قلب سلیم، از این جدایی‌ها استقبال می‌کند. صاحب چنین قلبی می‌داند که این‌ها برای سبک‌بار شدن و اوج‌گرفتن او ضروری هستند. درست مثل مسافری که برای پرواز باید بار اضافه‌اش را زمین بگذارد.

ما می‌خواهیم مسیر رشد را با خیالات و آرزوهای دنیایی طی کنیم، اما این‌ها اغلب با فطرت واقعی‌مان در تضاد هستند. خداوند گاهی تصمیمات ما را بر هم می‌زند، تا «من» محدود و خودبین ما را در خود حل کند و روحی بزرگ‌تر در ما متولد شود.

در این مسیر، رضایت از خدا مثل یک کاتالیزور عمل می‌کند؛ سرعت رشد را بالا می‌برد و مقاومت را کم می‌کند. چنین قلبی در برابر بلایا نمی‌لرزد، چون شادی‌اش را از نزدیکی با خدا تأمین می‌کند. او دیگر به خودش متکی نیست، چون می‌داند خداوند است که در مسیر تکامل، او را هدایت و پشتیبانی می‌کند. در نهایت، رضایت از خدا ابتدا تمرینی برای رسیدن به قلب سلیم است و پس از آن، جزئی جدایی‌ناپذیر از ساختار آن قلب.

شاید وقت آن رسیده که از خودمان بپرسیم: آیا قلب ما واقعاً راضی است؟ یا فقط وقتی اوضاع خوب است لب‌خند می‌زنیم و در سختی‌ها دچار تزلزل می‌شویم؟ رضایت از خداوند، فقط یک احساس مثبت نیست؛ آینه‌ای است که میزان شناخت ما از خودمان و خدایمان را نشان می‌دهد. آیا ما هنوز به معشوق‌های کوچک دل بسته‌ایم، یا توانسته‌ایم دل را به بزرگ‌ترین معشوق بسپاریم؟ رسیدن به قلب سلیم شاید سخت باشد، اما بی‌شک ممکن است. این مسیر از رضایت شروع می‌شود، از جایی که تصمیم می‌گیریم به جای شکایت، اعتماد کنیم و به جای مقاومت، تسلیم شویم.